

بررسی رویکرد امام در مقابل مخالفان مسیر انقلاب

امام(ره) با معارضین چگونه مواجه می‌شد



علی خضریان
فایم مقام مدیر مسئول

تفاوت در اندیشه‌ها، تفکرات و تمایلات در میان افراد هر جامعه، امری معمول است. در ارتباط بین افراد جامعه با حکومت، گروه‌های موافق و مخالفی وجود دارند که با برخورد‌های متفاوت حکومت روبه‌رو می‌شوند. صرف‌نظر از انگیزه مخالف‌ها و چرایی آنها، نحوه رفتار حکومت با گروه‌های مخالف در جوامع، قابل بررسی است. طرح سوال پیرامون نوع رفتار حاکمان با مخالفان، از سوالات اساسی اندیشه سیاسی است. در واقع بخشی از متون دانش سیاسی محصول پرسش و پاسخ دانشمندان و متفکران سیاست به این پرسش است. این مسأله در جهان اسلام به‌خصوص پس از تشکیل حکومت در صدر اسلام - که منجر به بروز نمونه‌های تاریخی رفتار حاکمان اسلامی با مخالفان شد- باعث ایجاد الگوها و نمونه‌هایی از انواع مواجهه حاکمان و حکومت‌های داعیه‌دار حکومت اسلامی شد. به دلیل تعدد تفاسیر و انتخاب «مصادیق متعدد»، نوع رفتار با مخالفان همچنان متفکران سیاسی را به خود مشغول و نتایج متفاوتی را حاصل کرده است تا آنجا که می‌توان گفت تعدد تفسیر و رفتار، منجر به شکل‌گیری جریان‌های فکری و سیاسی متعددی در سطح جهان اسلام شده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۵۷، دوران جدیدی از زندگی و تجربه سیاسی در ایران آغاز شد. این تجربه بر پایه دریافت سیاسی از دین- در برابر رویکرد سکولاریستی حاکم بر جهان جدید- استوار بود. از میان جریان‌های مختلف مخالف رژیم سابق، جریانی با رویکرد دینی و مبتنی بر اسلام سیاسی قفاهتی توفیق یافت. هرچند در ابتدای امر بخش عمده‌ای از جریانات متکثر و متعدد مخالف رژیم سابق، فرصت حضور و مشارکت سیاسی یافتند، اما در ادامه و در دوران حیات بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، به تدریج برخی از آنها به‌عنوان «گروه‌های مخالف نظام، شناسایی و از عرصه رسمی قدرت برکنار شدند. چگونگی و شیوه رفتار نظام با مخالفان موضوعی بحث‌برانگیز بوده که دیدگاه‌ها و برداشت‌های گوناگونی در ارتباط با آن مطرح شده است. یکی از مباحث قابل توجه، ارتباط اندیشه و سیره سیاسی

امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در رفتار با مخالفان است. اهمیت این موضوع نخست به این دلیل است که سیره و اندیشه سیاسی رهبر این انقلاب - خود دارای جایگاه مرجعیت دینی بوده- می‌تواند به شناخت مسیر صحیح ادامه حیات سیاسی نظام جمهوری اسلامی، کمک شایانی کند. افزون بر این با توجه به اینکه هر نظام سیاسی دارای مخالفان و موافقانی است، شناخت نحوه رفتار با مخالفان آن نظام سیاسی برمنای تفکرات بنیانگذارش، خود دارای اهمیت است.

این اهمیت آنجایی بیشتر می‌شود که پس از گذشت قریب به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و حدود سه دهه از رحلت بنیانگذار این نظام سیاسی، هنوز پژوهش مستقلی در این خصوص انجام نگرفته است و به این ترتیب جای خالی پرداختن به این موضوع احساس می‌شود.

طی سال‌های گذشته گروه‌ها و جریان‌های سیاسی گوناگونی با رویکرد‌های مختلف، تفاسیری متفاوت و بعضاً ناسازگار از سیره و اندیشه بنیانگذار جمهوری اسلامی در این باب ارائه داده‌اند. این تفاسیر طیفی گسترده از برداشت‌های حمایتگر، منتقدانه و کاملاً مخالف را در بر می‌گیرد.

نگارنده در پژوهشی (که به‌عنوان پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مفید قم با راهنمایی جناب دکتر سیدعلی میرموسوی از آن دفاع کرد)، با تمرکز بر این موضوع به بررسی اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی (ره) در مواجهه با مخالفان پرداخت و تلاش کرد با پژوهش در سه سوال «۱- جایگاه مخالفت و اعتراض سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چیست؟» «۲- سیره سیاسی امام خمینی (ره) در برخورد با مخالفان میان‌ره، اصلاح‌طلب و سازمان‌نیافته چگونه بوده است؟» و «۳- سیره سیاسی امام خمینی (ره) در برخورد با مخالفان و اعتراض سازمان‌یافته در برابر نظام جمهوری اسلامی چگونه بوده است؟» پاسخ علمی و منطقی برای این سوال پیدا کند؛ «اصول و شیوه حاکم بر رفتار با مخالفان» در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) چیست؟».

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی بوده و با متون،

مفاهیم، تعاریف، واژه‌ها، معانی و ویژگی‌های رفتاری امام خمینی (ره) سر و کار دارد.

طی ۱۱ سال رهبری امام خمینی (ره)، مخالفانی در جامعه و فضای سیاسی کشور بروز یافتند که بنیانگذار جمهوری اسلامی به تناسب حیطه تأثیر و میزان خطرشان با آنها برخورد کرد. اگرچه نهادهای نظام از سال ۱۳۵۸ شکل گرفت و برخی تقاضی موجود را جوابگو بود، اما تکرر شدید احزاب و رشد بی‌برنامه آنها در اثر تحولات انقلابی و رهاشدن نیروهای اجتماعی و سیاسی، به راحتی کنترل‌پذیر نبود. با توجه به اینکه ماهیت احزاب، یافتن راه‌حل برای مشارکت در قدرت است، در سال‌های بعد نیز شاهد حضور احزاب در قدرت و تأثیرگذاری آنها بر سیاست بودیم؛ گرچه در دوران‌های مختلف، نقش‌های متفاوتی را پذیرفتند. برمنای این تحقیق، برخورد امام(ره) با مخالفان عموماً برخوردی واکنشی بوده و نه کنشی؛ یعنی امام(ره) کسی یا جمعی را از ابتدا به‌عنوان مخالف خود قلمداد نکرده، مگر اینکه اقدامی از سوی آنها صورت گرفته باشد.

رفتار امام(ره)، با مخالفان متناسب با رفتار آنها بوده و در حقیقت نوع برخورد امام(ره) را چگونگی فعالیت مخالفان تعیین می‌کرد. تا زمانی که مخالفان دست به فعالیت تخریبی زده و عملیات خرابکارانه انجام ندادند، امام(ره) هیچ گروهی را مورد مجازات قرار نداده و اگر حکم به مقابله یا تضعیف یا از بین بردن آنها داده‌اند، بعد از مخالفت علنی و مسلحانه بوده است.

در هر یک از این مقاطع، مواضع و عملکرد افراد و جریان‌های مدعی خط امام(ره)، مرزبندی یا عدم مرزبندی‌شان با جریانات تندروی مورد برخورد امام(ره)، سنگ‌محکی برای صداقت و پابندی آنها در مدعای‌شان است. جالب آنکه عدم‌توجه و عمل به این مرزبندی در مواضع و عملکرد، گاهی باعث غلغله شدن همان گروه تندرو در طول زمان شده است. امام خمینی (ره) از قبل از انقلاب و در ماجرای قتل آیت... شمس‌آبادی، مهدی هاشمی را فردی خطرناک و غیرقابل تأیید می‌دانست به همین سبب حاضر به حمایت از تخصنی که در کلیسای سنت‌ماری فرانسه و در حمایت از برخی زندانیان سیاسی که بین آنها نام سیدمهدی هاشمی نیز وجود داشت، نشد. امام(ره) پس از انقلاب و مسلط شدن مهدی هاشمی بر واحد



نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه، نسبت به مراقبت از او هشدار می‌دهد. طی ملاقاتی که مسئولان اطلاعات سپاه با امام داشتند، امام صراحتاً به آنها می‌گوید: «در مورد فعالیت اینها (مهدی هاشمی و باند او) کنترل داشته باشید و آنها را زیرنظر داشته باشید». امام خمینی (ره) در نگاه به غرب و جوامع غربی با دیدی باز و روشن‌نگرانه ارزش‌های این جوامع را رصد می‌کرد و این ارزش‌ها را نه کاملاً می‌پذیرفت و نه کاملاً مردود می‌دانست؛ بلکه با نگاهی نقادانه، این ارزش‌ها را چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به‌گونه‌ای اعمال می‌کرد که نه کاملاً غربی بوده و نه در مقابل غرب قرار می‌گیرد و همین موضوع

باعث پیچیدگی سیره سیاسی ایشان می‌شود. همچنین در بحث سازمان‌های مجاهدین - که انحراف‌شان برای امام محرز شده بود- نیز تا آنها مخالفت خود را علنی نکردند، امام اقدامی در جهت حذف آنها انجام نداد و همین‌طور درباره جبهه ملی و نهضت آزادی. نکته دیگر اینکه امام(ره) مسئولان نظام را تا حد ممکن چه‌کاره هستنید اصلش که می‌خواهد این است که مواضع‌شان با شخص ایشان در مخالفت بود، حفظ می‌کرد. فلاسفه اگزیستانس از مفهومی به نام «وضعیت مرزی»^(۱) سخن می‌گویند که ناظر به وضعیت‌هایی مثل مرگ و رنج یا بزنگاه‌هایی است که مستلزم نوعی خطری یا حالات خاص است که امکان می‌دهد فرد آنچنانی که هست، ظهور

نمونه‌هایی از برخوردهای

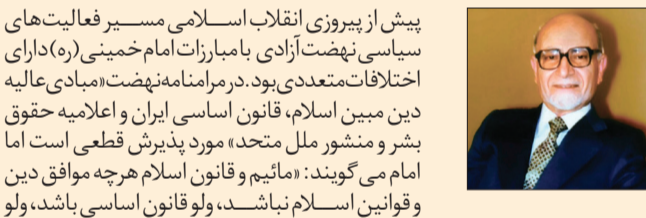
مهدی بازرگان

امام درخصوص طرح دولت موقت برای انحلال مجلس خبرگان متحل بشود که در زمان آن که اساسش از امیرانتظام بود و آن مسائل آن بازرگان و رفقایش و گفتند، خیال داریم این چه‌کاره هستنید اصلش که می‌خواهد این بتوانید مجلس را منحل کنید؟ باشید، بر، مساله، کنار رفتند.»

امام پس از مشخص شدن مخالفت‌های متدوی ابتدا مسیر نصیحت با آنها را در پیش می‌گرفت که قطعاً آنان را به عمل به آرمان‌ها دولت اسلامی است و هستند، نباید تحت‌تأثیر زمان محمدرضا شاه خائن بوده، حالا هم هر یکی یکی بگوئیم؟ دانه‌دانه بشماریم؟ آیا؟ مسلمانید. من بعضی‌شان را می‌شناسم، هم همه متعهدند، همه مسلمانند لکن ضعیفاً زمینه‌ها و موضوعات اختلاف‌نظر حضرت امام اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی است ایالات متحده آمریکا است و همین امر هم با بازرگان، پس از تسخیر لانه جاسوسی توسط انقلاب دوم شد، استغفابهد.

حزب دموکرات

چند هیات گفت‌وگو کننده به سنجند و مهم امتیازاتی به شورشیان کردستان، جلوی نا بازگشت هیات دوم که فردی همچون آیتا در آن حضور داشتند، به برخی مراکز دولتی دیگر کردستان حمله شد. در پی بالا آمدن مبنی بر کشتار مردم و پاسداران توسط نیرو فرمانی خواهان اعزام نیرو به این منطقه شد. اجرائی اقدام به صدور فرمان کرد و به دستور داد که بی انتظار دستور دیگر و با دستور کتبی صادر کرد. همچنین به دولت دست فراهم کند. ایشان مسئول این کشتار و وح می‌دهد در صورتی که تخلف از این دستور از پیام امام(ره) هزاران تن از نیروهای ارتش سرازیر شدن و پس چند ساعت خبر آن،



پیش از پیروزی انقلاب اسلامی مسیر فعالیت‌های سیاسی نهضت آزادی با مبارزات امام خمینی (ره) دارای اختلافات متعددی بود. در برنامه نهضت «مبادی عالییه دین مبین اسلام، قانون اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر و منشور ملل متحد، مورد پذیرش قطعی است اما امام می‌گویند: «مابین و قانون اسلام هرچه موافق دین و قوانین اسلام نباشد، ولو قانون اساسی باشد، ولو

الزامات بین‌المللی باشد، ما با آن مخالفیم.» نخست‌وزیری شریف‌امامی در مرداد ۵۷ زمینه‌بروز اختلاف میان نهضت آزادی و امام را

بیش از پیش فراهم کرد، به‌طوری که این جریان از امامی استیقال می‌کند؛ اما امام(ره) عمل به مواضع نهضت آزادی درخصوص سیاست گام‌به‌گام را خیانته به اسلام می‌داند. مهدی بازرگان در نوفل‌لوشاتو برای امام استدلال می‌کند گام به گام جلو می‌رویم و اگر شاه فریب‌مان داد، همان جامش را می‌گیریم و می‌گوئیم پس تو دروغ می‌گویی. امام با وی مخالفت کرده و انتخایات را تحریم می‌کند و سیاست پلکانی و قدم به قدم را به منزله مهلت دادن به رژیم برای تجدیدقوا می‌داند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دولت موقت به نخست‌وزیری مهدی بازرگان با فرمان امام تشکیل می‌شود.

درحالی که امام در فرمان ۵۷/۱۲/۱۵ برای تشکیل دولت موقت، برگزاری رفراندوم درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و منع از به کارگرفتن کسانی که گرایش‌های حزبی و گروهی داشتند را مطرح کرده بود؛ بازرگان از عمل به فرمان امام(ره)، سرپا زد و بیشتر اعضای دولت را از بین اعضای نهضت آزادی و ملی گراها برگزید و همچنین درخصوص نظام سیاسی جدید پیشنهاد اضافه کردن واژه «دموکراتیک» را به «جمهوری اسلامی» ارائه کردند؛ در حالی که امام بر آن است که: «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. این توهین به اسلام است. یعنی اسلام این چیزها را ندارد.»

نهضت آزادی در انتخابات اولین دوره مجلس خبرگان قاطعانه شکست می‌خورد. قانون اساسی‌ای که توسط مجلس خبرگان دور اول در حال تهیه بود، اسلام را معیار قوانین قرار داده بود و اصل «ولایت فقیه» آن به تصویب رسید که با نظر نهضت آزادی همخوانی نداشت.

آیتا... علی قدوسی دادستان کل انقلاب، نامه‌ای را که از دفتر کار شخصی عباس امیرانتظام (به خط وی) به دست آمده بود در اختیار رسانه‌ها و مطبوعات قرار داد. این نامه، حاوی طرح انحلال خبرگان بود که از جانب امیر انتظام ارائه شده و موافقت بسیاری از اعضای دولت موقت را نیز جلب کرده بود.

از ابتدای انقلاب، نقطه آغازین تحركات تجزیه‌طلبانه کردستان بود. در ۲۷ اسفند ۱۳۵۷ شهر سنندج توسط جریان‌های تجزیه‌طلب و گروه‌های مهاجم تصرف شد. در کردستان دو گروه عمده و معروف سیاسی با نام‌های کومله و حزب دموکرات کردستان، به همراه روحانیون بومی نظیر شیخ‌عزالدین حسینی و حمایت گروه‌های مارکسیست و مجاهدین خلق که از سراسر ایران در کردستان گرد آمده بودند، به صورت گسترده و دامنه‌دار به طرح مسائل رادیکال اهتمام ورزیدند که مهم‌ترین مسأله آنها خودمختاری یا نوعی گریز از حیطه حکومت مرکزی بود. این گروه‌ها با تصرف پادگان مهاباد و به‌دست آوردن سلاح‌های زیاد به شهر سنندج حمله و شهر را اشغال کردند. از این‌رو درگیری‌های خونینی میان نیروهای مسلمان و انقلابی و عناصر تجزیه‌طلب آغاز شد. این در حالی بود که دولت بعث عراق به ویژه برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا که استقرار یک نظام اسلامی در ایران را برخلاف منافع خود می‌دانستند، کردستان را بهترین مکان برای مبارزه با انقلاب اسلامی انتخاب کردند تا بتوانند مانعی در جهت عملی شدن اهداف انقلاب اسلامی ایجاد کنند. در همان زمان از سوی شورای انقلاب و دولت موقت، با جلب نظر امام،

سیدمهدی هاشمی

سیدمهدی هاشمی پیش از انقلاب رهبری گروه چریکی «هدف» در اصفهان را برعهده داشت و در فروردین ۱۳۵۵ به جرم معاونت در قتل آیتا... سیدابوالحسن شمس‌آبادی بازداشت و به اعدام محکوم شد. وی با نامه‌نگاری‌های متعدد به شخصیت‌های مختلف ملی، مذهبی و بین‌المللی خود را قربانی پیرونده‌سازی ساواک در قتل مرزوم آیتا... شمس‌آبادی معرفی می‌کند. در تابستان ۱۳۵۷، با آزادی زندانیان در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب، او هم از زندان آزاد می‌شود.



هاشمی پس از پیروزی انقلاب، به‌عنوان مسئول واحد روابط عمومی و عضو شورای عالی فرماندهی سپاه فعالیت می‌کند. چندی بعد مسئولیت واحد نهضت‌های آزادی بخش سپاه را برعهده می‌گیرد.

امام در همین ایام در ملاقات با برخی مسئولان اطلاعات سپاه می‌گویند: «در مورد فعالیت اینها (مهدی هاشمی و باند او) کنترل داشته باشید و آنها را زیرنظر داشته باشید.»

سیدمهدی هاشمی پس از انحلال واحد نهضت‌های آزادی بخش در سپاه، با حکم مستقیم آیتا... منتظری به‌عنوان نماینده او در امور نهضت‌ها فعالیت می‌کرد.

در سال ۱۳۶۵ پس از کشف خانه تیمی و اعتراف مسئول آن خانه به فعالیت تحت‌نظر سیدمهدی هاشمی، به سبب انتساب وی به آیتا... منتظری، مسأله توسط وزیر اطلاعات در جلسه سران قوا مطرح اما با مخالفت برخی از آنها مواجه می‌شود. برخلاف برخی سران قوا، امام معتقد به پیگیری بی‌ملاحظه پیرونده است و تأکید می‌کند هرکس مجرم باشد، باید دستگیر شود.

هاشمی بازداشت و چند ماه بعد با حضور در تلویزیون، به قتل چهره‌های مذهبی و رابطه با ساواک، بیرون بردن غیرقانونی اسلحه و مهمات از سپاه، آدم‌ربایی، افشاگری علیه کشور، اختلاف‌افکنی بین امام و آقای منتظری و... اعتراف می‌کند.

در جریان رسیدگی به پرونده مهدی هاشمی، با توجه به اینکه برادرش هادی رئیس دفتر آیتا... منتظری بود و نقش مهمی در معادلات داشت، اعترافاتی علیه او بیان شد که نشانگر مجرم بودن او بود و به نوعی او نیز یکی از متهمان این پرونده محسوب می‌شد.

پس از احضار و بازجویی از هادی هاشمی، او مسئولیت بخشی از اتهامات را پذیرفته و برخی دیگر از تخلفات را انجام دستورات آیتا... منتظری عنوان کرد. منتسب کردن بخشی از جرائم و تخلفات توسط هادی هاشمی به آیتا... منتظری بر پیچیدگی ماجرا می‌افزود. از آنجایی که مجرم بودن هادی محرز بود، امام(ره) تصمیم‌گیری درباره برخورد با او را به روسای قوا محول می‌کند.

وزیر اطلاعات در دی ماه ۶۵ به امام پیشنهاد تبعید هادی هاشمی و جدایی او از دفتر آیتا... منتظری را می‌دهد. امام در پاسخ می‌نویسد: «با حفظ تمام موازین عدل و انصاف، موافقت می‌شود.»

سیدهادی هاشمی پس از چند ماه از محل تبعید خود به قم بازمی‌گردد و فشارها برای لغو حکم تبعیدش بیشتر می‌شود. تیرماه ۱۳۶۶ وزیر اطلاعات در نامه‌ای به امام با اشاره به «تمایل و درخواست آیتا... منتظری مبنی بر آزادی و بازگشت نامبرده به قم» می‌نویسد: «وزارت اطلاعات با شرایط ذیل پیشنهاد عفو مشروط نامبرده را از مقام معظم رهبری دارد: ۱- آقای هادی هاشمی کتبا از اشتباهات گذشته اظهار ندامت کند؛ ۲- نامبرده متعهد شود که از این تاریخ به بعد با وابستگی به گروه منحرف مهدی هاشمی به کلی قطع رابطه کند. ۳- از دخالت در امور جاری و سیاسی دفتر آیتا... منتظری خودداری کند. به نظر این وزارتخانه، بدون شرایط فوق بازگشت وی به قم به مصلحت جمهوری اسلامی نیست.» امام در ۱۶ تیرماه در پاسخ به این نامه می‌نویسند: «با شرایط وزیر محترم اطلاعات، آقای ری شهری، موافقت می‌نمایم. ان‌شاء... خداوند به همه شما توفیق بیشتر عاقبت فرماید.»

سیدمهدی هاشمی در دادگاه روحانیت محکوم و مهر ۱۳۶۶ اعدام می‌شود.

ابوالحسن بنی‌صدر

امام در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری بنی‌صدر از مردم، متفکران، دانشمندان، احزاب اسلامی و سیاسی و قوای انتظامی خواستند که از آقای بنی‌صدر و دولت ایشان پشتیبانی کرده و از تفرقه، اختلاف و کارشکنی بپرهیزند.



امام در پاسخ به نامه بنی‌صدر در ۱۶/۲/۵۹، با سه درخواست بنی‌صدر یعنی «انتخاب نخست‌وزیر و تصویب امام»، «قوای انتظامی در اختیار تابع دستور رئیس جمهور» و «عدم مخالفت دستگاه‌های تبلیغاتی با سیاست‌های ریاست جمهوری» موافقت می‌کنند. بنی‌صدر از امام می‌خواهد در اختلاف مجلس و ریاست جمهوری، نظر خود را اعلام کنند. امام پاسخ می‌دهند: «اینجا بحث دخالتی در امور نمی‌کنم، موازین همان بود که کرارا گفته‌ام و سفارش من آن است که آقایان تفاهم کنند و اشخاص مومن به انقلاب و مدیر و مدبر و فعال انتخاب نمایند.» امام در ۲۹/۴/۵۹ طی یک سخنرانی اعلام می‌کنند:

«این اشخاصی که انقلابی نیستند باید در اس وزارتخانه‌ها نباشند و آقای بنی‌صدر باید ائمهال اینها را معرفی به مجلس نکند و اگر کرد، مجلس رد بکند و هیچ اعتنایی نکند.» بنی‌صدر در ۱۱/۶/۱۳۵۹ طی نامه‌ای به امام به اختلافاتش با رجایی اشاره می‌کند و از ایشان می‌خواهد در این مورد دخالت کنند؛ اما امام جواب می‌دهد: «بنده دخالتی در امور نمی‌کنم.» بنی‌صدر در ۱۷/۶/۱۳۵۹، نیروهای خط امام و مشخصاً حزب جمهوری را به‌عنوان اقلیتی نام می‌برد که به دنبال استقرار حاکمیت و دیکتاتوری خویشند.

در ۱۴/۱۲/۱۳۵۹ در سخنرانی بنی‌صدر به مناسبت سالگرد مصدق در دانشگاه تهران، بنی‌صدر از هوادارانش می‌خواهد که چماقداران- اشاره به نیروهای مذهبی- را از دانشگاه بیرون کنند. طی این حادثه بین نیروهای انقلابی و پاسداران با نیروهای سازمان مجاهدین خلق و گارد ریاست جمهوری، درگیری رخ می‌دهد. امام خمینی (ره) در بیانیه‌ای ده‌ماه‌های خطاب به تمام مسئولان از آنها می‌خواهند که دست از اختلافات بردارند و حرمت یکدیگر را حفظ کنند و از سخنرانی‌های تحریک‌کننده تا پایان جنگ پرهیز کنند و طی آن هیات‌ی مرکب از سه نفر به نمایندگی از امام، رئیس جمهور و مجلس، مامور رفع اختلافات می‌شود.

بنی‌صدر بارها و با بهانه‌های مختلف، نهادهای جمهوری اسلامی از مجلس گرفته تا قوه قضائیه را غیرقانونی دانسته و خواستار انحلال این نهادها می‌شد. در ۲/۳/۱۳۶۰ بنی‌صدر رسماً قوه قضائیه را ملگ خود دانسته و طی نامه سرگشاده‌ای نام می‌برد که به دنبال استقرار حاکمیت و دیکتاتوری خویشند.

از مسئولان و قضات دادگستری اعتراض می‌کند. همچنین طی نامه‌ای به حجت‌الاسلام شهاب‌الدین اشراقی نماینده خود در هیات حل اختلاف نوشت: «براساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی نقش هماهنگ کردن قوای سه‌گانه حق من است، از این روح تذکر و اخطار قانون اساسی را دارم.» امام در جریان دیدار خود با نمایندگان مجلس در ۶/۱۰/۱۳۶۰ به صراحت بنی‌صدر را مورد خطاب قرار داده و می‌گویند: «این سال خوب است سال اجرای قانون باشد. باید حدود معلوم بشود... نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول ندار. قانون تو را قبول ندارد.» هیات حل اختلاف در ۱۲/۳/۶۰ اعلام می‌کند که مصاحبه‌ها و سخنران رئیس جمهور، تخلف از بیانیه ۱۰ ماده‌ای و قانون اساسی است. بنی‌صدر نظر هیات را نپذیرفته و هیات حل اختلاف منحل می‌شود.

امام در ۲۰/۳/۱۳۶۰ بنی‌صدر را از فرماندهی کل نیروهای مسلح برکنار کرد. در ۲۵/۱۰/۱۳۶۰ امام خطاب به بنی‌صدر می‌گوید: «حالا هم دیر نشده... آن آقا هم بروند عذرخواهی کنند از ملت، بگویند ملتی که به من رای داد، من مطابق رای آنها عمل نکردم، از حالا به بعد می‌کنم... الان هم من نصیحت می‌کنم... آقای رئیس جمهور را... که آقا پرهیزید از تضعیف روحانیت و ملت و تضعیف روحیه ملت و ارتش» در روزهای ۳۰/۳/۱۳۶۰ مجلس رای به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر می‌دهد. یک روز پس از آن، امام بنی‌صدر را از ریاست جمهوری برکنار می‌کند.